

بررسی مهاجرت های روستایی و تأثیر آن بر مورفولوژی شهرها نمونه موردی : شهر سقز

مجید شمس^۱، مصطفی قمری^۲، ادريس عبودی^۳، کاوه محمدی^{۴*}

چکیده

در برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای یکی از اصول مسلم، پیوند ناگسستنی شهر و روستا و ارتباط آنها با یکدیگر است که درکالبد، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ نقاط جمعیتی ملموس و مسجل می‌باشد. از این رو یکی از عوامل تأثیرگذار در مورفولوژی شهرها، حرکات جمعیت روستایی آنها است. این پدیده در شهرهای میانی و کوچک بخوبی مشهود است. حرکات ناسنجیده جمعیت روستایی می‌تواند عوارض نامطلوبی بر پیکر شهرها داشته باشد و مورفولوژی آنها را دچار دگرگونی ناهنجاری بنماید. همچنین چهره‌ی روستاها را نیز از رونق بیندازد و باعث رکود و انزوای جغرافیایی آنها گردد. این پژوهش روند فوق را برای روستاهای شهر سقز از توابع استان کردستان بررسی می‌کند. جامعه آماری در این پژوهش ۴۰ روستا در حوزه سقز می‌باشد. روش بررسی توصیفی-تحلیلی است که در آن مورفولوژی شهر سقز و گسترش فیزیکی آن در فاصله زمانی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۴۵ بررسی می‌شود. این روند در رابطه با مهاجرت جمعیت روستایی ارتباط معنی‌داری را به ذهن متبادر می‌کند که در نتیجه می‌توان گفت: مورفولوژی شهری در این مکان جغرافیایی بیش از همه از مهاجرت جمعیت روستایی پیرامون خود تأثیر پذیرفته است.

واژگان کلیدی : جمعیت روستایی، مهاجرت، مورفولوژی شهرهای میانی، گسترش افقی، سقز.

۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، ایران.

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، ایران.

۴. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: kave.mohamadi@gmail.com, ۰۹۱۴۱۶۸۵۴۹۱

بیان مساله :

مهاجرت و جابه جایی جمعیتی نشانگر پویایی و تلاش انسان است. انسان هایی که در یک مکان جغرافیایی زمینه تلاش را برای خود محدود می دانند، اقدام به مهاجرت می نمایند. انسان دارای مهارت های متنوع است، مهارت های متنوع فضاهای گوناگون را می طلبد؛ تا انسان ها مهارت های خود را به نمایش بگذارند. در این صورت مهاجرت کارساز خواهد بود. اما اگر این فرایند حرکتی بدون توجه به مهارت ها صورت گیرد، مخرب و منفی است.

در این راستا مهاجرت یک پدیده جهانی است که در کشورهای پیشرفته بعد از انقلاب صنعتی و در کشورهای جهان سوم در نیم قرن اخیر شدت گرفته است. مهاجرت در کشورهای صنعتی مهار گردیده است تا جایی که به عنوان یک مشکل مطرح نمی باشد، اما کشورهای جهان سوم نه تنها نتوانستند با تدابیر لازم مشکل را حل نمایند بلکه با ایجاد نابرابری ها بین مناطق آن را نیز تشدید نموده اند.

کشور ما هم به دلیل اجرای الگوهای نامناسب توسعه و تبع آن ایجاد صنایع مونتاژ و درحاشیه قرار دادن کشاورزی مهاجرت های روستا - شهری در آن شدت گرفت به طوری که این پدیده به عنوان یک معضل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشور مطرح است. از جمله معضلات در شهرها، می توان به رشد بی رویه جمعیت و در نتیجه افزایش جمعیت شهرها اشاره کرد. اگر محیط روستا را به ظرفی تشبیه نماییم و مظلوف آن را جمعیت بدانیم این ظرف می تواند مظلوف معینی را در خود جای می دهد و اگر بیش از ظرفیت آن باشد سرریز خواهد کرد. در چند دهه ی اخیر جمعیت روستاها به طور بی سابقه ای در حال افزایش بوده در حالی که توان های محیطی روستا و اشتغال روستائیان در محیط خود انجام نگرفته است (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۱). در چنین شرایطی فقر، بیکاری و... از مهم ترین مشکلاتی است که روستائیان را تهدید می نماید و واکنش آنها نیز در مقابل پدیده های فوق، تخلیه روستاها و مهاجرت به شهرهاست. بعد دیگر آن اختلاف سطح درآمد روستائیان نسبت به شهرنشینان است. مناطق روستایی کشورهای توسعه نیافته دچار عقب ماندگی هستند. سطح زندگی اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به شهرها پایین تر است. لذا به لحاظ اینکه انسان موجودی است رفاه طلب و خواهان آسایش، وقتی که به این رفاه نسبی در روستا دست پیدا نمی کند و می تواند آن را در شهرها بدست آورد اقدام به مهاجرت می کند. که این مهاجرت به دلیل اینکه پیش بینی نشده و برنامه ریزی شده نیست بر ساختار شهرها اثر و باعث توسعه کالبدی ناموزون آنها می شود.

مورفولوژی شهر، در واقع بررسی تباین هایی است که بین شهر و پیرامون آن از سویی و بین محلات و برش های درون شهری از دیگر سو وجود دارد. در مورفولوژی شهری عوامل متفاوتی دخالت دارد از جمله ساخت مکانی و نشستگاه شهری، عوارض و ویژگی های طبیعی، عوامل فرهنگی و مذهبی، اقتصادی، نظام های اجتماعی ناظر بر شهر و شکل روابط اجتماعی شهرنشین و ... (فرید، ۱۳۷۱ : ۲۳). هر کدام از عوامل فوق به نحوی بر مورفولوژی شهر تأثیر دارند. برای شناخت هر چه بهتر مورفولوژی یک شهر لازم است که ریشه های یک تسلسل نظام مند را که موجب بوجود آمدن یک مورفولوژی شده بررسی کرد. شناخت این ریشه ها گام مؤثری در شناخت و تبیین مورفولوژی شهر می باشد. شهرهای کوچک و میانی نیز همچون کلانشهرها و دیگر شهرها گسترش می یابند و شکل آنها تغییر می کند. اما در میان عوامل ذکر شده، تغییرات جمعیت نقاط روستایی و پسرکانه شهرها بر مورفولوژی شهری شهرهای کوچک و میانی تأثیر مستقیم می گذارد. در این نوشتار سعی در شناخت و تبیین عوامل مؤثر بر مورفولوژی شهرهای میانی است. که در این میان توجه بیشتری به تغییرات جمعیت روستایی و تأثیر آن بر مورفولوژی شهرهای میانی می شود؛ بدین منظور شهر میانه اندام «سقز»^۱ بعنوان نمونه موردی انتخاب شده و با بررسی مورفولوژی شهری آن در فاصله زمانی سالهای (۱۳۸۵-۱۳۴۵) سعی در پیدا کردن رابطه ی آن با تغییرات جمعیت روستایی می شود. چون در نگاه اول بنظر می رسد که بین خالی شدن جمعیت روستایی این شهر و تغییرات سریع کالبدی - فضایی شهر سقز که گاهاً تغییراتی ناهنجار و برنامه ریزی نشده ای نیز هست رابطه ی معناداری وجود دارد. به گونه ای که شهر تحت عوامل فشاری از بیرون؛ شکل و ریخت صحیح خود را از دست داده و بصورت مجتمع سکونتگاهی بی نظمی درآمده است.

^۱ . شهر سقز بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، دارای ۱۳۳۳۳۱ نفر جمعیت بوده است.

مبانی نظری:

مورفولوژی شهری:

در ارتباط با شهر و توسعه آن دو نوع نظریه مطرح می‌گردد: یکی نظریه‌های مهاجرتی و دیگری نظریه‌های رشد و ساخت شهر. از نظریه‌های مهاجرتی می‌توان به نظریه‌ی مطلوبیت مهاجرت و نظریه‌ی درآمد مورد انتظار مهاجر در مقصد، نظریه‌ی تحلیل توسعه‌یافتگی اشاره کرد. این نظریه‌ها عموماً رشد و توسعه‌ی شهر را ناشی از افزایش نیروی انسانی در روستا و عدم جواب‌گویی روستا، بالا بودن درآمد شهر نسبت به روستا در بخش‌های خدمات و صنعت، کنترل مرگ و میر، افزایش مهاجرت و برتری جاذبه‌های شهری نسبت به روستا می‌داند. معروفترین نظریه‌ها در زمینه‌ی رشد و توسعه‌ی شهر نظریه دوایر متحدالمرکز «ارنست برگس» محقق آمریکایی است، ایشان در سال ۱۹۵۵ با بررسی که بر روی شهر شیکاگو و توسعه فضای آن انجام داد نظریه خود را ارائه کرد. از آنجا که هر کسی توجه خاصی به تأثیر شرایط آب و هوایی بر توسعه و تکامل شهر داشت گسترش شهر را به صورت دایره‌ای فرض می‌کند که وجه بارز آن اعتقاد به این نکته است که در توسعه‌ی فیزیکی شهر فرآیند پخشایش کاربری‌ها اتفاق می‌افتد و در نتیجه این جریان افراد و گروه‌ها جابه‌جا می‌شوند و توسعه‌ی شهر به صورت شعاعی از مرکز شروع و به یک سری دوایر متحدالمرکز منجر می‌گردد (فرید، ۱۳۸۲).

بطور سنتی مورفولوژی شهری مطالعه‌ی نظام‌یافته از فرم، شکل و طرح حوزه‌های شهری است که در بعضی موارد به این تعریف رشد و کارکرد شهر نیز افزوده می‌شود. مطالعه مورفولوژی شهری در توسعه‌ی قلمروهای جغرافیایی شهری بسیار مؤثر است. اساس مهم مورفولوژی شهری را کیفیت کاربری زمین تشکیل می‌دهد بدین‌سان که تراکم واحدهای مسکونی یا پراکندگی آنها در سطح گسترده‌ی شهر، منطقه‌ی صنعتی شهر، بخش ویژه انبارها و عمده فروشی، هسته‌های فرعی شهر، مراکز خرید، خیابان‌ها، پارک‌ها، ساختمان‌های دولتی، زمین‌های بایر، خطوط آهن شهری، فرودگاه‌ها، پادگان‌ها، مساجد، گورستان‌ها و ورزشگاه‌ها از عوامل مهم در مورفولوژی شهری است. این عوامل در نقاط مختلف یکسان عمل نمی‌کند. از این‌رو مورفولوژی شهرها در نواحی مختلف دنیا زائیده‌ی محیط جغرافیایی، شرایط فرهنگی و تکنولوژی کشورهاست. در واقع مورفولوژی شهری از عوامل طبیعی و فرهنگی بصورت توأم شکل می‌گیرد (شکوئی، ۱۳۷۳: ۲۵۸). مورفولوژی شهری در سمینار بین‌المللی شکل شهر (ISUF)^۱، به عنوان یک حوزه میانه رشته‌ای هویت خود را بدست آورد. این سمینار، مورفولوژی شهری را فراتر از مبدأ آن که جغرافیا و به خصوص معماری و برنامه‌ریزی است، بررسی کرده است (Vernez, Moudon: 1997, 3-10).

کارکرد شهرها نیز در مورد مورفولوژی شهری تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد تا آنجا که هر کدام از کارکردهای شهری، مورفولوژی و چشم‌انداز خاصی می‌آفریند. برای مثال شهرهایی که دارای کارخانه‌های متعدد نساجی هستند، معمولاً با کارخانه‌های ریسندگی و انبارهای مخصوص بخود مورفولوژی شهری را شکل ویژه‌ای می‌بخشد در حالی که شهرهای زیارتگاهی با گلدسته‌ها، مساجد، کلیساها و مدارس مذهبی مورفولوژی خاصی بوجود می‌آورند. در شهرهای توریستی انواع هتل‌ها، کمپ‌ها، پلاژها، مکان‌های تفریحی و استراحتگاه بخش ویژه‌ی آبهای معدنی و طبیعت زیبای محیط به مورفولوژی شهری حالتی جدا از دیگر شهرها می‌بخشد. جغرافیای طبیعی شهرها و نواحی شهری نیز مورفولوژی شهری را به گونه‌ای تحت تأثیر اوضاع طبیعی خود قرار می‌دهند شهرهای ساحلی، شهرهای کوهستانی و کوهپایه‌ای، شهرهای رودخانه‌ای، شهرهای واقع در دشتهای و ... هر کدام مورفولوژی خاص خود را دارد (شکوئی، ۱۳۷۳: ۲۵۹).

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر مورفولوژی شهری تغییرات جمعیتی است که بیانگر نیازهای جامعه‌ی شهری می‌باشند زیرا با افزایش جمعیت شهر نیاز به مسکن و سایر تأسیسات و تجهیزات و کاربری‌های جدید احساس می‌شود و این شهر را سوی گسترش افقی یا عمودی می‌برد که خود به نوعی تغییر در مورفولوژی شهری بحساب می‌آید. بدین ترتیب افزایش نیاز، کاربری‌های جدید شهری شهر را بسوی زمین‌های اطراف شهری می‌برد و این گاهی موجب می‌شود شهر در جهتی که نباید گسترش یابد توسعه پیدا کند.

¹ . International seminar on urban Form

افزایش جمعیت و مورفولوژی شهر:

افزایش جمعیت شهری یکی از عوامل بر هم زنده‌ی مورفولوژی شهری می‌باشد بصورتی که گاهی رشد غیر ضروری شهر، شکل شهر را بی‌ریخت و فضاهای خالی آن شکل شهر را ناهمگون می‌کند. پراکنش افقی شهری واژه‌ای است که در نیم قرن اخیر در قالب اصطلاح «اسپرال» در ادبیات پژوهش‌های شهری وارد شده است (Hess, 2001: 4). اسپرال یا پراکنش افقی اصطلاحی است به معنای رشد سریع و پراکنده نواحی متروپل و حتی شهرهای کوچک که در برخی موارد تا نواحی روستایی کشیده شده است (عباس‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹).

هرچه شهر بزرگتر باشد از اطراف خود بیشتر طلب می‌کند و بدین ترتیب خطر تخریب محیط زیست افزایش می‌یابد (بحرینی، ۱۳۷۶: ۷۶). پدیده پراکنش افقی شهر که در اکثر کشورهای جهان مشاهده شده است. آثار و پیامدهای منفی زیادی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به دنبال داشته است یکی از مهم‌ترین نتایج این پدیده که می‌توان گفت در هر سه بعد پیامدی نامطلوب به شمار می‌رود، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی یا تبدیل به کاربری‌های شهری مانند کاربری مسکونی، کاربری تجاری، کاربری خدماتی، کاربری صنعتی و غیره می‌باشد (زنکنه شهرکی، ۱۳۸۶: ۹۴). با این حال گسترش افقی همواره در رابطه با رشد جمعیت قرار می‌گیرد و اگر بخواهند گسترش افقی متعارف شهری را اندازه‌گیری کنند ابتدا رشد جمعیت آن را محاسبه می‌کنند و این مؤید این مطلب است که افزایش جمعیت دارای نقشی اساسی و انکارناپذیر در گسترش افقی شهر می‌باشد و بایستی بدان توجهی در خور شود تا شناخت صحیحی از مورفولوژی شهری حاصل آید. در آمریکا، رشد جمعیت تنها عامل افزایش کمیّت کاربری زمین نیست بلکه شتاب انضمام زمین به محدوده شهرها بیش از رشد جمعیت شهری بوده است. در اکثر شهرهای بزرگ این کشور افزایش سهم زمین هر خانواده شهری (PHLC)^۱ طی سال‌های مختلف گویای رشد وسیع شهرهاست. بعنوان مثال بین سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ جمعیت «پرتلند» دو برابر شد اما سطح شهر چهار برابر گردید (تقوایی به نقل از هدلی، ۲۰۰۰: ۳). رشد فیزیکی شهرها اراضی مرغوب کشاورزی را بلعیده و از بین برده است. به مرور زمان همراه با گسترش روستاها و تبدیل آنها به شهر و سپس توسعه شهرها، اراضی مرغوب زیر پیکر شهرها مدفون شده و فعالیتهای زراعی ناگزیر به سمت اراضی نامرغوب عقب نشسته است (بهرام‌سلطانی، ۱۳۷۱: ۱۹).

پیشینه تحقیق:

مبحث مورفولوژی شهری ناخودآگاه ذهن محقق را بسوی شکل‌گیری شهر در ادوار مختلف تاریخی سوق می‌دهد یعنی چرا شکل شهر به صورت امروزی درآمده است، چرا شهر به این سمت خاص حرکت کرده و سوالاتی از این قبیل مطرح می‌شود و به همین خاطر نیز هست که مطالعات مورفولوژی شهری در چهارچوب جغرافیایی تاریخی بررسی می‌شود. در بیشتر نقاط شهری جهان مطالعه مورفولوژی شهری دارای چهارچوب تاریخی است و جغرافیدانان کمتر بدان توجه می‌کنند (White hand j w r:1987).

در سال ۱۸۹۹ در آلمان، مطالعات اتواشلوتر جز اولین مطالعات علمی درباره‌ی مورفولوژی شهری محسوب می‌شد. این محقق در بررسی‌های خود به «مورفولوژی چشم‌انداز فرهنگی» تأکید می‌کند. اشلوتر بعد از جنگ جهانی اول جنبش مطالعه مورفولوژی شهری را بنیان نهاد. در مکتب مورفولوژی شهری آلمان بررسی‌های عمیق در زمینه‌ی موقع شهر، طرح شهر، شکل ساختمان‌ها و شیوه‌های معماری شهرهای آلمان صورت گرفت. در سال ۱۹۲۷ «بوبک» فرم چشم‌اندازهای شهری را که در نتیجه‌ی نیروهای سازنده‌ی جامعه شهری ایجاد می‌شود به شیوه علمی مطرح کرد و سرانجام در سال ۱۹۳۳ م. والتر کریستالر در جغرافیای شهری آلمان به جای توجه به فرم بر کارکرد شهر تأکید کرد و مسیر تازه‌ای در مورفولوژی شهری ایجاد نمود (شکوئی، ۱۳۷۳: ۲۶۰). از این‌رو یکی از دیدگاه‌هایی که اخیراً در مورفولوژی شهری مورد توجه قرار گرفته است مدل چشم‌انداز شهری با توجه به یکسری از پارامترهای کمی می‌باشد (Yoshida, omae, 2005: 223-247).

بدین منوال در نیمه اول قرن بیستم در مکتب مورفولوژی شهری انگلستان دو مکتب مطرح می‌شود. یکی مکتب وارداتی مورفولوژی که به طور مستقیم از مکتب مورفولوژی آلمان تأثیر می‌پذیرفت و دیگری مکتب بومی انگلستان. بعد از دهه ۱۹۵۰ مورفولوژی شهری انگلستان بشدت از ساخت متحدالمرکز شهر (ارنست برگس) ساخت قطاعی شهر (همر هویت) و نظریه چند

1. Per House hold land Consumption

هسته‌ای (چنسی هریس و ادوارد اولمن) تأثیر پذیرفت؛ بدین سان که در بررسی‌های مورفولوژی شهری تحلیل‌هایی نیز در زمینه‌ی کاربری زمین صورت گرفت. تحلیل مورفولوژیک حاشیه‌ای شهرها در دهه ۱۹۷۰ بیشتر مورد توجه جغرافیدانان تحت تأثیر اقتصاد نئوکلاسیک قرار گرفته است. در ایالات متحده مکتب مورفولوژی شهری تأثیرپذیری خاصی از جغرافیای فرهنگی داشته و تحلیل پایگاه اجتماعی- اقتصادی شهر از طریق مدل‌های اکولوژیک کاربری زمین صورت گرفته است (شکوئی، ۱۳۷۳: ۲۶۱). برای بیشتر تحقیقات مورفولوژی شهری شکل شهر به عنوان کالبد شهر در نظر گرفته می‌شود و بیشتر تحلیل‌ها ارتباط بالایی با کالبد شهرهای تاریخی دارند (Levy, 1999: 79-85).

امروزه مورفولوژی شهری بر سه موضوع اساسی زیر تأکید دارد:

- ۱) تحلیل طرح شهری در مورفولوژی شهرها: در این قسمت، توسعه فیزیکی شهر، توسعه توپوگرافیک شهر، سیستم خیابانها، مشخصات ساختمانها، طرح توسعه شهری در دوره‌های تاریخی، مکان‌های بازاری، سلول‌های شهری، تغییرات در بخش مرکزی شهرها، ساخت کاربری زمینی و تأثیرات نیروی جاذبه و گریز از مرکز مورد مطالعه قرار می‌گیرد.
- ۲) برخورد دوره‌ای؛ در این قسمت دوره‌های مختلف کاربری زمین، فرم ساختمانها و وابستگی میان توسعه‌ی فرم حوزه‌های شهری و کمربند حاشیه‌ای با نوسانات اقتصادی و مکان‌گزینی طبقات اجتماعی مورد تأکید واقع می‌شود.
- ۳) عوامل مؤثر در تغییرات مورفولوژیک شهر: در این زمینه مطالعه‌ی تغییر فرم ساختمان را با توجه به سازمان‌های شخصی، عمومی و تغییر عوامل اجتماعی و اقتصادی، تحلیل نقش مالکان زمین، برنامه‌ریزان و معماران در مورفولوژی شهری، حومه‌ها، شهرهای جدید، همچنین وابستگی متقابل میان فرم و کارکرد از موارد مهم در شناخت مورفولوژی شهری محسوب می‌شود (شکوئی، ۱۳۷۳: ۲۶۲).

روش تحقیق:

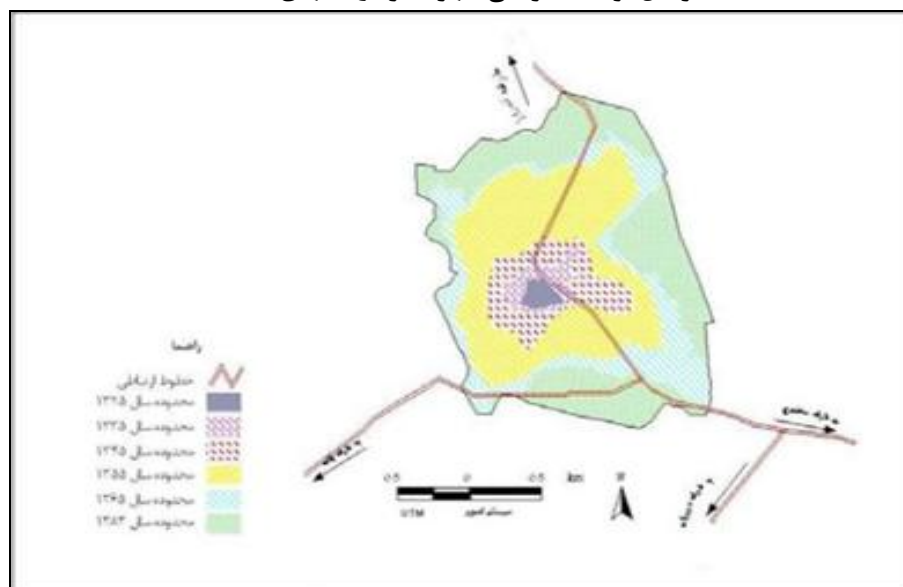
روش بررسی در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. جامعه آماری ۴۰ روستا در حوزه بلافصل و فراگیر شهر سقز می‌باشد. در ابتدا از روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای به بررسی اسناد مکتوب و مطالعه طرحهای (جامع و تفصیلی) شهر سقز پرداخته شد. سپس با مطالعه‌ی میدانی در منطقه و تهیه‌ی نقشه‌ی توسعه‌ی ادواری شهر در دوره‌های مختلف روند گسترش شهر مطالعه گردیده و سپس نقشه‌ها در محیط "Arc GIS", "Auto Cad" تحلیل و بررسی شده و نحوه گسترش یافتن شهر در اثر مهاجرت‌های روستایی و شکل یافتن مورفولوژی آن تبیین و تحلیل گردید.

شناخت منطقه مورد مطالعه:

شهر سقز که مرکزیت شهرستان سقز از توابع استان کردستان را به عهده دارد در قسمت شمال غربی شهر سنندج (مرکز کردستان) و به فاصله ۱۹۰ کیلومتری این شهر و در مختصات جغرافیایی ۴۶ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی در ۳۶ درجه و ۱۵۰ دقیقه عرض شمالی با متوسط ارتفاع ۱۴۹۶ متر از سطح دریا و شیب متوسط ۴ درصد جزء نواحی کوهستانی کشور محسوب می‌شود و بین ارتفاعات نامنظم سلسله جبال زاگرس محصور می‌باشد (علایی، ۱۳۸۵: ۵۱). این شهرستان مساحتی معادل با ۱۵/۴۹ درصد کل استان را به خود اختصاص داده است و از شمال و غرب به استان آذربایجان غربی از جنوب به شهرستان مریوان و کشور عراق، از شرق به شهرستان دیواندره و از جنوب به شهرستان بانه محدود شده است (مهندسان مشاور نقش پیراوش، ۱۳۸۶: ۲۷).

شهر سقز در دو طرف رودخانه شکل گرفته که بخشی از مورفولوژی شهر را این مسأله شکل داده است. در این راستا مهاجرت شدید روستائیان به شهر سقز سبب رشد و گستردگی محدوده شهر و همچنین باعث از بین رفتن زمین‌های مرغوب کشاورزی و باغات پیرامون شهر یا به عبارتی تغییر کاربری این اراضی به کاربری‌های شهری گردیده است. (نقشه شماره ۱).

نقشه ۱- مراحل توسعه فیزیکی شهر سقز در سالهای ۱۳۸۳-۱۳۳۵



مأخذ: شهرداری سقز، ۱۳۸۷

یافته‌های تحقیق:

روند تغییرات جمعیتی شهرستان سقز:

جمعیت شهرستان سقز طبق سرشماری سال ۱۳۴۵ با رقم معادل ۹۱۹۴۳ نفر همراه بوده است و در سال ۱۳۵۵ طی یک دهه به ۱۱۲۵۲۳ نفر می‌رسد یعنی جمعیتی معادل ۲۰۵۸۰ نفر به شهرستان اضافه می‌گردد که با این تغییرات نرخ رشد آن حدود ۲/۰۴ درصد بوده است. این نرخ رشد که در مقایسه‌ی با نرخ رشد جمعیت کشور در طی این دهه که ۲/۷ درصد بوده حدود ۰/۶۶ درصد پایینتر بوده است. جمعیت شهرستان بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۵ به ۱۶۳۸۷۸ نفر افزایش پیدا کرده است. از این تعداد ۸۱۳۵۱ نفر در نقاط شهری و ۸۲۵۲۷ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. یعنی ۴۹/۶۵ درصد در نقاط شهری و ۵۰/۳۵ درصد در نقاط روستایی و در طی این دهه ۶۵-۵۵ درصد ۵۱۳۵۵ نفر به جمعیت شهرستان افزوده شده است. یعنی با نرخ رشدی در حدود ۳/۸۳ درصد نسبت به سال ۱۳۵۵ افزایش پیدا کرده است. در سال ۱۳۷۵ جمعیت شهرستان به ۱۹۴۹۹۸ نفر می‌رسد که از این تعداد ۱۱۵۳۹۴ با درصدی معادل ۵۹/۱۷ در شهر و مابقی یعنی ۷۹۶۰۴ نفر با درصدی در حدود ۴۰/۸۳ در روستاهای شهرستان سقز استقرار داشته‌اند. جمعیت روستایی شهرستان در این دهه در حدود ۷۴۱۱۲ نفر بوده است که با یک روند رو به رشد در دهه ۶۵-۵۵ به ۸۱۸۶۲ نفر می‌رسد. حال اینکه همین میزان جمعیت در سال ۶۵ به جمعیتی در حدود ۸۲۵۲۷ نفر می‌رسد که این نشان دهنده‌ی افزایش در حدود ۶۶۵ نفر در یک دهه بوده است. همچنین داده‌های سرشماری ۷۵-۶۵ نشان می‌دهد که جمعیت روستایی شهرستان سقز از ۸۲۵۲۷ نفر در سال ۶۵ به ۷۹۶۰۴ نفر در سال ۷۹ می‌رسد. در طی این دهه جمعیت روستایی با نرخ رشد منفی ۰/۳۵ درصد در سال روبرو بوده است که این حاکی از یک دهه مهاجرتی از روستاهای پیرامون شهر سقز و در نتیجه برهم خوردن مورفولوژی شهر با افزایش ساخت و سازها می‌باشد. در سال ۱۳۸۵ جمعیت شهرستان سقز باز هم به سرعت رشد نمود و درصد شهرنشینی به ۶۲/۳۱ رسید (علایی، ۱۳۸۵: ۶۱). جمعیت شهرستان سقز بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ به ۲۰۸۴۲۵ نفر رسیده که باز هم دارای رشد بوده است. از این جمعیت ۱۳۵۰۳۴ نفر در نقاط شهری و ۷۳۳۹۱ نفر در روستاهای سقز استقرار یافته‌اند و این نشان از رشد منفی جمعیت روستاهای سقز دارد. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- روند تغییرات جمعیتی شهرستان سقز طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۴۵

۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		دهه منطقه
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۲۰۸۴۲۸	۱۰۰	۱۹۴۹۹۸	۱۰۰	۱۶۳۸۷۸	۱۰۰	۱۱۲۵۲۳	۱۰۰	۹۱۹۴۳	شهرستان
۳۵/۲۱	۷۳۳۹۱	۴۰/۸۲	۷۹۶۰۴	۵۰/۳۵	۸۲۵۲۷	۷۲/۷۵	۸۱۸۶۲	۸۰/۶۰	۷۴۱۱۲	جمعیت روستایی
۶۴/۷۹	۱۳۵۰۳۷	۵۹/۱۸	۱۱۵۳۹۴	۴۹/۶۵	۸۱۳۵۱	۲۷/۲۵	۳۰۶۶۱	۱۹/۴۰	۱۷۸۳۱	جمعیت شهری

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالهای ۱۳۴۵-۱۳۸۵.

بر اساس اطلاعات آماری مرکز آمار ایران در دهه ۷۵-۱۳۶۵ تعداد ۱۹۹۱۸ نفر مهاجر وارد این شهرستان شده‌اند که از این تعداد ۶۲/۳ درصد روستایی و ۳۵ درصد شهری بوده‌اند، این نشان از مهاجرت روستاییان به شهر دارد که از طرفی با خالی شدن جمعیت روستایی و نرخ رشد منفی و از طرفی شاهد ساخت وسازهای نامتعارف و برهم خوردن مورفولوژی شهر هستیم.

حرکات جمعیت روستایی در شهرستان سقز:

روستاهای شهرستان سقز با موقعیت خاص خود و با توجه به کوهستانی بودن و مجموعه شرایطی که دارند، دارای پراکندگی خاصی می‌باشند و تقریباً نقاط جمعیتی به صورت شبکه‌ای در سراسر این مکان جغرافیایی گسترده شده است. اما پراکندگی شبکه‌ای روستاها در سطح شهرستان لزوماً تعادل جمعیتی را به ارمغان نمی‌آورد. شهرستان سقز در مجموع دارای ۲۹۷ روستا می‌باشد که از این تعداد ۳۸ روستا خالی از سکنه می‌باشد، کوچ جمعیت و رشد منفی آن در روستاهای کوچک- اندام این شهرستان بوضوح قابل مشاهده می‌باشد. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- تعداد روستاهای دارای سکنه و خالی از سکنه‌ی شهرستان سقز در سال ۱۳۸۵

بخش	تعداد روستا	روستاهای دارای سکنه	روستاهای خالی از سکنه	اسامی روستاهای خالی از سکنه
مرکزی	۱۰۵	۹۶	۹	۱- بابا حسین، ۲- گودرز، ۳- قلعه، ۴- دودمان، ۵- علی آباد، ۶- داشا لوجه، ۷- سیدآباد، ۸- کنه کوتر، ۹- تاوه قران
زیویه	۱۳۸	۱۲۲	۱۶	۱- اصحاب، ۲- عباس رقه، ۳- یاپشخان، ۴- نمدینه، ۵- تجلزار سقلی، ۶- نوین، ۷- رستم بحر، ۸- درگاه خلیل، ۹- ناصرآباد، ۱۰- گافران، ۱۱- سردره، ۱۲- کانی ملا، ۱۳- حسین آباد، ۱۴- عایش آباد، ۱۵- علی آباد تخت، ۱۶- سید آباد
سرشیو	۵۴	۴۱	۱۳	۱- سیف، ۲- قافل آباد، ۳- باید علیا، ۴- باید رستخلی، ۵- قزل ویل، ۶- سراحگاه، ۷- دره وزان، ۸- کانی کیود، ۹- میشیا و سقلی، ۱۰- میشیا علیا ۱۱- سه کچه، ۱۲- دره نالی، ۱۳- بردمه
جمع	۲۹۷	۲۵۹	۳۸	

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۸۵

از بارزترین ویژگی‌های تحرک جمعیت در این نواحی مهاجرت‌های روستایی می‌باشد که همگی آنها به سوی شهرها است. در اینجا برای درک بهتر حرکات جمعیتی این روستاها، ۴۰ روستا به عنوان نمونه انتخاب شده و نرخ رشد آنها بین سالهای ۷۵ تا ۵۵ محاسبه شده است. بر طبق نتایج به دست آمده بیشترین مهاجرت‌ها به شهر سقز صورت گرفته و شهر نیز بیشترین تغییرات مورفولوژیکی را در این دوره بخود دیده است. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- تحرکات جمعیتی روستاهای شهرستان سقز در دوره‌ی مهاجرت ۷۵-۱۳۵۵

نام روستا	جمعیت ۵۵	جمعیت ۶۵	نرخ رشد ۶۵-۵۵	جمعیت ۷۵	نرخ رشد ۷۵-۶۵
۱ صالح آباد	۲۲۹	۵۳۴	۸/۸۳	۲۹۲	۵/۶۹
۲ آلتون علیا	۲۱۲	۲۰۰	-۰/۵۸	۲۵۱	۲/۲۹۷
۳ چکشه	۱۶۸	۱۴۶	-۱/۳۹	۱۳۲	-۱/۰۰۳
۴ مهرآباد	۳۱۲	۳۶۳	۱/۵۲	۵۶۶	۴/۵۴۲
۵ آبچی	۵۸۳	۷۲۹	۲/۲۶	۷۸۷	۰/۱۸۶۸
۶ کلیه شین	۳۱۶	۴۹۴	۴/۵۶	۴۴۴	۰/۷۷۶
۷ دموغه	۵۰۸	۵۶۰	۰/۹۸۷	۵۱۸	۰/۷۷۶
۸ قیلسون	۵۳۵	۳۹۵	۱/۱۳	۴۴۴	-۰/۱۷۶
۹ کهریزه	۴۷۷	۵۸۲	۲/۰۰	۶۹۵	۱/۷۹۰
۱۰ آق تپه	۱۲۴	۶۱	-۶/۸۴	۶۳	-۰/۲۳۲
۱۱ بدرآباد	۱۵۰	۱۵۰	۰	۱۶۹	۱/۱۹۹
۱۲ صاحب	۵۵۸	۷۵۱	۳/۰۱	۹۹۶	۲/۸۶۳
۱۳ گاوشله	۱۸۵	۱۶۱	۱/۳۷	۱۷۹	۱/۰۶۵
۱۴ کانی تپاز	۱۳۹	۲۱۹	۰/۸۷	۲۰۰	-۰/۹۰۳
۱۵ خرده لوکی	۳۹۷	۴۸۸	۲/۰۸	۵۲۸	۰/۷۹۰
۱۶ مامه شا	۲۳۳	۲۱۹	-۰/۸۷	۲۰۰	-۰/۹۰۳
۱۷ کچل منگان	۳۰۸	۲۹۴	-۰/۴۶۴	۳۱۱	-۰/۵۶۳
۱۸ قشلاق پل	۲۲۰	۱۲۷	-۵/۳۴۳	۱۲۵	-۱/۵۸
۱۹ سرکتکتو	۳۷۸	۳۲۳	-۱/۵۶	۲۵۹	-۲/۱۸۴
۲۰ کس نزان	۷۴۱	۷۵۲	۰/۰۵۳	۶۶۷	-۱/۱۹۲
۲۱ کمنتو	۳۷۱	۲۶۸	-۳/۱۹۹	۲۰۰	-۲/۸۸۴
۲۲ مازوجدار	۲۱۷	۱۲۶	-۵/۲۹۱	۱۵۶	۲/۱۵۸
۲۳ مرخز	۱۰۰۴	۸۰۶	-۲/۱۷۲	۹۰۶	۱/۱۷۶
۲۴ کاکله سیاب	۳۴۷	۳۸۴	۱/۰۱۸	۳۲۸	-۱/۵۶۳
۲۵ درگاه سلیمان	۳۵۲	۴۰۳	۱/۳۶۲	۳۵۶	-۱/۲۳۲
۲۶ کریم آباد	۴۴۶	۵۷۲	۲/۵۱	۴۹۲	-۱/۴۹۵
۲۷ قشلاق قاضی	۱۳۳	۸۰	-۴/۹۵۶	۷۴	-۰/۷۷۶
۲۸ آرنیان	۲۲۱	۲۶۰	۱/۶۳۸	۲۴۳	-۰/۶۷۳
۲۹ چاپانعلیا	۲۰۹	۱۶۶	۲/۴۴۰	۲۱۴	-۲/۱۵۱
۳۰ چاپان سفلی	۲۵۶	۳۸۹	۴/۲۷۲	۲۷۶	-۳/۷
۳۱ سنته	۷۱۵	۸۲۴	۱/۴۲۸	۸۲۶	۰/۰۲۴
۳۲ عصرآباد	۱۱۴	۱۰۷	-۰/۶۳۱	۹۱	-۱/۶۰۶
۳۳ قلعه کهنه	۵۳۱	۶۳۱	۱/۷۴۰	۶۴۴	۰/۲۰۴
۳۴ آبلکو	۳۹۱	۴۶۰	۱/۶۳۸	۴۴۳	-۰/۳۷۵
۳۵ دوزخ دره	۸۶	۴۹	-۵/۴۹۳	۱۰۶	۸/۰۲۱
۳۶ سلیمان	۴۸۲	۳۰۹	-۴/۳۴۸	۳۴۵	۱/۱۰۸
۳۷ جنیان	۱۷۹	۵۵۷	۷/۱۵۸	۵۲۶	-۰/۵۷۱
۳۸ گل تپه	۶۴۷	۸۸۳	۳/۱۵۸	۹۱۵	-۰/۳۵۶
۳۹ للزی	۴۸۸	۴۷۰	-۰/۳۵۷	۴۵۳	-۰/۳۶۷
۴۰ خورخوره	۲۵۰	۲۶۷	۰/۶۶۰	۳۱۱	۱/۵۳۷

مأخذ: محاسبات نگارندگان بر اساس داده های مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷.

با توجه به داده‌های جدول بالا متوجه می‌شویم که نیمی از روستاها دارای رشد منفی بوده‌اند یعنی اینکه این روستاها در اثر مهاجرت جمعیت خود را از دست داده‌اند. این مهاجرین کجا رفته‌اند؟ بر اساس پرسشنامه‌های به عمل آمده ۵۷/۲٪ از این مهاجرین راهی شهر سقز شده‌اند. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- مقصد مهاجران روستاهای شهرستان سقز

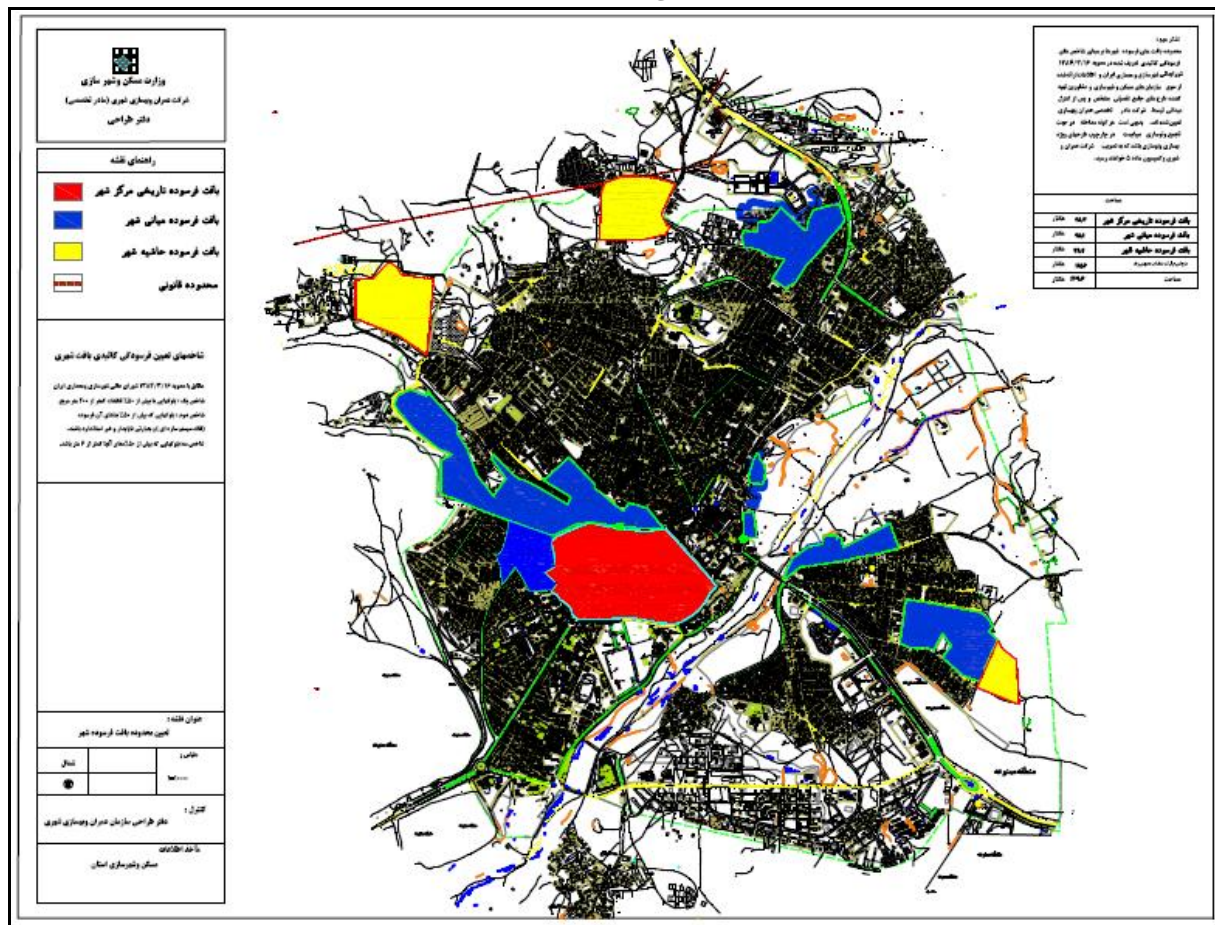
شهر سقز	صاحب	دیوان دره	سنندج	روستاهای مجاور	سایر
۵۷/۳	۵/۷	۷	۱۱/۸	۴	۱۴/۲

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۷

روند تغییرات مورفولوژی شهر سقز:

ویژگی‌های مورفولوژی یک شهر از عوامل مختلف تأثیر می‌پذیرد. در شهر سقز مورفولوژی شهری بیشتر از شرایط طبیعی محیط تأثیر می‌پذیرد. ویژگی‌های توپوگرافی مورفولوژی شهر را تا حدودی شکل داده است و رودخانه‌ای که از وسط شهر می‌گذرد شهر را به دو قسمت تقسیم کرده است. کارکرد ارتباطی نیز در مورفولوژی شهر سقز تأثیر داشته تا جایی که روند گسترش را رو به سمت شمال سوق داده است، توسعه ادواری شهر سقز با پیروی از شکل دره و ارتفاعات محیطی آن در درجه‌ی نخست با تکیه بر دامنه‌ی ارتفاعات غربی شهر و در مرحله‌ی بعد به علت رشد هماهنگ شبکه‌های ارتباطی با توسعه فیزیکی شهر بصورت محوری در امتداد گذرگاه‌های کشوری بصورت ستاره‌ای ناقص با مرکزیت بخش تجاری به شهر صورت پذیرفته است. در وضعیت موجود، گسترش محوری شهر با توجه به پوشش ساختمانی، اراضی مناسب و محدودیت‌های توپوگرافی و اراضی غیرقابل استفاده به دلیل شیب زیاد در مناطق غربی (تپه مالان) و مناطق شمالی به دلیل تنگ شدن دره (محور بوکان) و وجود اراضی بزرگ نظامی و شیب نسبتاً زیاد زمین در محور بانه (جنوب غربی) دارای توجیه اقتصادی و فنی نمی‌باشد. لذا گسترش شهر بصورت قطاعی از دواير متحدالمرکز به دلیل برخورداری از صرفه‌جویی‌های زمین ناشی از تمرکز و حفظ خدمات تخصصی موجود در مرکز شهر و دسترسی آسان به آن (بعلت کمبود اراضی قابل توسعه‌ی مسکونی در پیرامون شهر) و تقویت شبکه‌ی زیربنایی ارتباطی موجود با شبکه‌های حلقوی در بخش شرقی شهر مورد توجه و انتخاب قرار گرفته است (زارعی، ۱۳۸۴: ۷۰-۷۲). عدم تعادل بین رشد مساحت و جمعیت در هر دوره از رشد و توسعه شهر باعث شده است که الگوی توسعه فیزیکی و کالبدی این شهر بیشتر از نوع الگوی پراکنش افقی بی‌رویه (Sprawl) باشد. (نقشه شماره ۲).

نقشه ۲- گسترش فیزیکی شهر سقز از سال ۱۳۸۵-۱۳۳۵



مأخذ: شهرداری سقز: ۱۳۸۷

تجزیه و تحلیل یافته ها:

هر فضای شهری اگر بدون برنامه توسعه پیدا کند و شهرنشینی بر شهرسازی پیشی بگیرد دچار سردگمی و از بین رفتن ساختار فضایی خود می‌شود. اگر محلات و محدوده های شهری بدون امکانات زیرساختی ایجاد شود؛ این مسئله علاوه بر ناهماهنگی کالبدی و سیمای شهری باعث آسیب‌های اجتماعی و عدم حس تعلق به مکان و مسائل اجتماعی خواهد شد که بدنه شهر را از داخل دچار ضعف و شکستگی می‌کند.

توسعه‌ی شهر سقز نیز در دو دهه‌ی اخیر ناشی از دو پدیده‌ی اصلی: مهاجرت روستائیان و رشد طبیعی جمعیت شهری سقز بوده است. چنانچه جمعیت شهر از ۱۲۷۲۹ نفر در سال ۳۵ به ۱۱۵۳۶۴ نفر در سال ۷۵ افزایش پیدا کرده است. همچنین بررسی جمعیتی شهر نشان می‌دهد که دهه ۶۵-۱۳۵۵ دارای بیشترین نرخ جمعیتی (۲/۱۰٪) می‌باشد. به طوری که جمعیت شهر از ۳۰۶۶۱ نفر در سال ۵۵ به ۸۱۳۵۱ در سال ۶۵ می‌رسد و فرایند این افزایش جهت گسترش توسعه‌ی فیزیکی شهر است به نحوی که مساحت شهر از ۱۵ هکتار در سال ۱۳۲۵ به ۸/۱۴۷۴ هکتار در سال ۱۳۸۳ افزایش می‌یابد. این توسعه باعث ادغام روستاهای "صالح آباد" و "علی آباد" در داخل محدوده و روستای "قوخ" همچنین در آستانه‌ی هضم قرار گرفتن در داخل محدوده‌ی شهر بر اثر توسعه شهر می‌باشد.

در راستای مهاجرت روستائیان به شهر سقز و عدم آمادگی این شهر برای پذیرش آن موجب شده است که مورفولوژی شهر با مشکلاتی مواجه شود، که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

(۱) شکل‌گیری محله سکونتگاه غیر رسمی تازه آباد :

تازه آباد که بعنوان سکونتگاه غیررسمی مطرح است تا سال ۱۳۷۳ بعنوان سکونتگاه وجود خارجی نداشته است بلکه زمین کشاورزی بوده است. تازه آباد تا تاریخ مذکور محل چرای دام ساکنان محله‌ی بهارستان بوده است. بعد از این تاریخ ساکنان تازه آباد با درک تقاضای زیاد زمین توسط مهاجران و اجاره نشین‌های شهری به فکر فروش زمین‌ها افتاده‌اند. آنها با تفکیک غیرقانونی و بدون برنامه‌ریزی زمین آن را به مردم مهاجر فروختند. از این زمان به بعد احداث واحدهای مسکونی با سرعت زیادی شروع شد و چنانکه در سال ۱۳۸۰ حدود ۴۰ خانوار ساکن بدلیل ارزان بودن زمین و فراهم بودن شرایط دامداری و عدم نظارت مدیران شهری زمینه‌ی گسترش هرچه بیشتر تازه آباد را فراهم کرده است. تازه آباد هم اکنون دارای ۲۱۵ واحد مسکونی و حدود ۱۰۰۰ نفر جمعیت می‌باشد.

(۲) مورفولوژی ناهنجار تپه مالان:

مورد دوم مهاجرین تپه مالان در غرب شهر سقز می‌باشد که دارای شیب بیشتر از ۳۰٪ بوده و بعلاوه ارزانی زمین مورد استفاده قرار گرفته است. بسیاری از این مهاجرین در این محله سکنا گزیده‌اند و خانه‌های بدون پروانه ساخت و استانداردهای لازم را بنا کرده‌اند که دارای خطرپذیری بسیاری می‌باشد و مورفولوژی پلکانی نامناسبی به این محله داده است که گاه‌آه توام با مشکلاتی اجتماعی بوده است. مشکل حمل و نقل، فرسایش، لغزش زمین، شیب زیاد و کوچه‌های نامنظم از مشکلات عدیده‌ی این محله می‌باشد که بخشی از مورفولوژی ناهنجار شهر سقز را آفریده است.

(۳) اتصال روستاهای قووخ و صالح آباد به بدنه‌ی شهر:

اتصال دو روستای قووخ در جنوب و صالح آباد در شمال شهر، یکی دیگر از مشکلات و زشتی‌های مورفولوژیک شهر سقز است که حاصل همین مهاجرت‌ها و افزایش ناهنجار جمعیت شهری می‌باشد. درحالی‌که این دو روستا دارای شکل و کالبد نامناسبی هستند، این روستاها به شهر ملحق شده و با خانه‌های روستایی و بافت دوگانه جدید و قدیم آن چهره‌ی ناخوشایندی به شهر بخشیده‌اند. در مجموع می‌توان چنین گفت که تازه آباد از شرق، تپه مالان از غرب، قووخ از جنوب و صالح آباد از شمال عملاً مورفولوژی شهر را تحت تأثیر قرار داده‌اند و شکل ناهنجاری به آن بخشیده‌اند که این حاصل حرکات نامنظم جمعیت روستایی می‌باشد و تأثیر عوامل مهمی مثل رودخانه، توپوگرافی و جنس خاک و... را به مرور کمرنگ نموده‌اند.

نتیجه گیری :

مورفولوژی شهر بارزترین تصویری است که از شهر به معرض نمایش گذاشته می‌شود و نشان‌دهنده محیط طبیعی، کارکرد، اقتصاد، ساختار، عملکرد، در نهایت شکل و کالبد شهر می‌باشد. مورفولوژی شهری مطالعه نظام مندی است که در آن عوامل به وجود آورنده محیط شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد و می‌تواند نشانگر گویایی برای شناخت شهر صحیح باشد. در واقع مورفولوژی شهری از عوامل طبیعی و فرهنگی بصورت توأم شکل می‌گیرد. همچنانکه که در مبانی نظری تحقیق مطرح شد «هانس بوبک» مورفولوژی شهری را نتیجه نیروهای سازنده جامعه شهری می‌داند و این نظریه منطبق با مورفولوژی کنونی شهر مورد مطالعه در این پژوهش است. درست است که شهر سقز رودخانه‌ای از میان آن می‌گذرد و دارای ویژگی‌های توپوگرافیکی و نشستگاه خاص خود است اما این عامل نخستین عامل شکل دهنده‌ی مورفولوژی شهر است نه مهم‌ترین عامل، زیرا به مرور زمان جای خود را به عاملی چون نیروهای سازنده جامعه شهری داده است. شهر قبلاً فقط در طرف غربی رودخانه قرار داشته و مهاجرت روستائیان، آن را در جهت شرقی گسترش داده و مورفولوژی کنونی شهر را دچار دگرگونی عمیقی کرد. پس از این مورد مکان و نشستگاه شهر، کارکرد شهر و به دنبال کارکرد ویژگیهای فرهنگی و ساختار اجتماعی در شکل دادن به مورفولوژی شهر سقز تأثیرگذار بوده است.

باتوجه به مباحث فوق می‌توان گفت که یکی از دلایل اصلی بر هم خوردن مورفولوژی شهر سقز، مهاجرت روستائیان و افزایش ساخت و سازهای نامتعارف بوده است. همچنان که از پاسخ‌های روستائیان پیداست، حدود ۵۷٪ از مهاجران این روستاها راهی شهر سقز شده‌اند و چون در یک فرایند زمانی کوتاه این عمل اتفاق افتاده، شهر نتوانسته پاسخگوی این مهاجران باشد و به شکل علمی و سازمان یافته‌ای خدمات اولیه را به آنان ارائه دهد. در نتیجه مهاجران به سمت نواحی پیرامونی شهر حرکت کرده و بصورت روستاهای الحاقی به شهر با سکونتگاههای غیررسمی خود را به شهر تحمیل کرده‌اند. این نقاط پیرامون

شهری علاوه بر مورفولوژی نامتعارفی که به شهر داده، سبب بروز مشکلات دیگری نیز شده‌اند. ریسک پذیری طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این نقاط بالاتر از همهی نقاط شهر می‌باشد. در این راستا چون این نقاط دارای انزوای نسبی نسبت به شهر بوده‌اند. کارکردهای نامتعارف و مشاغل کاذب شهری به این نقاط منتقل شده‌اند و غیر از پایگاه شغلی که به این شکل درآمده از نظر فرهنگی نیز دارای مشکلاتی می‌باشد. درصد بیسوادی بالا و قانون گریزی از عوامل نامتعارفی است که سبب بروز مشکلات فرهنگی شده است. گویی که زندگی در این محلات فرهنگ خاص خود را نیز می‌طلبد. نتیجه‌ی این حرکات جمعیتی به شهر در ابتدا خود را در مورفولوژی شهر نشان داده است.

منابع:

۱. بحرینی، حسین (۱۳۶۸): «تهران چگونه شهری است و چه باید باشد؟»، فصلنامه محیط شناسی، شماره ۱۵، ویژه نامه تهران، صص ۲۶-۴۳.
۲. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان سقز (۱۳۸۶): طرحهای هادی روستایی شهرستان سقز، روستاهای نمونه: حنجان، گلتهپه، مرخر، قیلانتو، سقز.
۳. بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۱): مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی، محیط زیست، چاپ دهم، مرکز مطالعات تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. چاپ اول، تهران.
۴. پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رحبی سناجرودی (۱۳۸۲): نظریه‌های شهر و پیرامون، سمت، چاپ اول، تهران.
۵. تقوایی، مسعود و محمدحسین سرائی (۱۳۸۵): «گسترش افقی شهر و ظرفیت های موجود زمین»، مجله پژوهش-های جغرافیایی، سال هفتم، شماره ۵۵، تهران، صص ۱۳۳-۱۵۲.
۶. زارعی، صابر (۱۳۸۴): «کاربری اراضی شهر سقز»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، به راهنمایی دکتر رحمت ا... فرهودی، دانشگاه تهران.
۷. زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۸۶): «بررسی پدیده پراکنش افقی شهر تهران و تأثیر آن بر زمین‌های کشاورزی پیرامون»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، به راهنمایی دکتر احمد پور احمد، دانشگاه تهران.
۸. شکوئی، حسین (۱۳۷۳): دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۹. علائی، مسعود (۱۳۸۵): «سازمان دهی سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهرستان سقز (نمونه: تازه آباد)»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، به راهنمایی دکتر شهرپور روستایی، دانشگاه زنجان.
۱۰. عباسزاده، غلامرضا (۱۳۸۳): «الگوسازی رشد کالبدی بافت شهری در راستای توسعه پایدار (نمونه موردی: شهر مشهد)»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۱. فرید، یدا... (۱۳۸۲): جغرافیا و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ چهارم، تبریز.
۱۲. فرید، یدا... (۱۳۷۱): کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر و روستا، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ دوم، تبریز.
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳۶۵، ۱۳۵۵، ۱۳۴۵): سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان سقز، تهران.
۱۴. مهندسان مشاور نقش پیراوش (۱۳۸۶): طرح جامع شهر سقز، سنندج.
15. A. vernez, Moudon (1997): urban morphology as an emerging interdisciplinary field, International seminar on urban Form, urban morphology(1), Pp.3-10.
16. H. C.C (2000): "Urban sprawl Indicators ,Causes and solution",WWW.CITY.BLOMINGTON.
17. H. G.R (2001):" Just what is Sprawl, Anyway?", www4. ncsu.edu/grhess
18. Albrt. L (1999): urban morphology,and porblem of the modern urban fabric:some question for research, International seminar on urban Form, urban morphology (3)2 ,Pp.79-85.
19. White Hand. J.W.R (1987): Urban Morphology In Historical Geography: Progress And Prospect.
20. Hiroyuki .Y, Manabu,omae (2005): An approach for analysis of urban)19
21. morphology: methods to derive morphological properties of city blocks by
22. using an urban landscape model and their interpretationsComputers, Environment and Urban Systems(29). Pp223-247.